Journal of Socio-Political Developments in Contemporary Iran

http://doi.org/10.30510/pscci.2026.485418.1111

The lived experience of women's political activism in Tehran province's penitentiaries with an emphasis on social capital

Farzaneh Rasouli[1]
Asmeh Ghasemi[2]
Mohammad Reza Mohammad Jani[3]

Received: 19 May 2026

Reception: 24 August 2026

Abstract:

This research aimed to understand the lived experience of women's political activism with an emphasis on social capital. The present research was conducted with a qualitative approach and using a descriptive phenomenological method. The research participants were women who were arrested following the protest events of the fall of 1401. Data collection was conducted through in-depth semi-structured interviews. The phenomenological analysis method of Van Manen was used to analyze the data. The data analysis process led to the extraction of 407 primary concepts, 117 themes, 38 sub-themes, and finally 7 main themes, which are: experiences of encounter and reactions arising from it, family and cultural structure, strategies of protest activism, socio-economic and governance contexts, motivations and contexts of activism, capitals and activism, and rethinking protest action. The findings showed that women's political activism is a multifaceted phenomenon that is shaped by the interaction of three main forces: meaning and awareness (in the form of cultural and moral capital), context and structure (in the form of inequalities and socio-economic pressures), and reflexivity and learning (in the form of rethinking and modifying strategies).

1PhD Student, Department of Political Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2Department of Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
3Department of Political Science, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران، سال پنجم ، ویژه نامه۱۴۰۵، صص ۱۴۲-۱۱۶

http://doi.org/ 10.30510/pscci.2026.485418.1111

تجربه زیسته کنشگری سیاسی زنان در ندامتگاه‌های استان تهران با تاکید بر سرمایه اجتماعی

فرزانه رسولی[۱]

عاصمه قاسمی[۲]

محمد رضا محمد جانی[۳]

تاریخ دریافت :۲۹ /۱۴۰۵/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۰۲

چکیده

این پژوهش با هدف فهم تجربه زیسته کنشگری سیاسی زنان با تأکید بر سرمایه اجتماعی انجام شد. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با استفاده از روش پدیدارشناسی توصیفی انجام شده است. مشارکت‌کنندگان پژوهش زنانی بودند که در پی رویدادهای اعتراضی پاییز ۱۴۰۱ بازداشت شده اند گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته انجام شد. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل پدیدارشناسانه فن‌مانن استفاده شد. فرایند تحلیل داده‌ها منجر به استخراج ۴۰۷ مفهوم اولیه، ۱۱۷ درون‌مایه، ۳۸ مضمون فرعی و در نهایت ۷ مضمون اصلی شد که عبارت‌اند از: تجربه‌های مواجهه و واکنش‌های برآمده از آن ، ساختار خانوادگی و فرهنگی، راهبردهای کنشگری اعتراضی، بسترهای اقتصادی– اجتماعی و حکمرانی، انگیزه‌ها و زمینه‌های کنشگری، سرمایه‌ها و کنشگری، و بازاندیشی در کنش اعتراضی. یافته‌ها نشان داد که کنشگری سیاسی زنان پدیده‌ای چندوجهی است که از تعامل سه نیروی اصلی شکل می‌گیرد: معنا و آگاهی (در قالب سرمایه‌های فرهنگی و اخلاقی)، زمینه و ساختار (در قالب نابرابری‌ها و فشارهای اجتماعی– اقتصادی)، و بازتابندگی و یادگیری (در قالب بازاندیشی و اصلاح راهبردها).

واژگان کلیدی: تجربه زیسته، کنشگری سیاسی، زنان زندانی، سرمایه اجتماعی

[۱]دانشجو دکتری، گروه جامعه‌شناسی سیاسی ، واحد علوم و تحقیقات ، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ، ایران.

[۲]گروه جامعه شناسی ،واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ، ایران.

[۳]گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

مقدمه

تحولات دهه‌های اخیر در حوزه جهانی حاکی از اهمیت امر سیاسی و مسائل مربوط به آن است، به نحوی که امروزه شاهد ظهور تعاریفی از سیاست و امر سیاسی هستیم که نه منحصراً در سطح و محدوده پدیده‌ای به نام دولت، بلکه به مثابه پدیده‌ای در همه‌ی روابط، جلوه‌ها و نهادهای اجتماعی است(انصاری و سهرابی،۱۳۹۱). در سال‌های اخیر، سرمایه اجتماعی در رسانه‌ها به یکی از مفاهیم تکراری تبدیل شده است و اغلب در مجادلات روزمره سیاسی کاربرد دارد. طرفین منازعه‌های سیاسی می‌کوشند تا با توسل به آن رقیبان خود را تخریب و خود را مدافع سرمایه اجتماعی معرفی کنند و گاهی به مثابه مفهومی برای عملکرد یک دوره یا دولت تلقی می‌شود، در حالی که سرمایه اجتماعی مفهومی پیچیده و عمیق‌تر است و پایین و بالا رفتن آن الزاماً شاخصی برای سنجیدن کارآمدی یک دوره و دولت و حتی نظام نیست.

طی سال‌های گذشته مجموعه‌ای از تحولات داخلی و فراملی موقعیت زنان ایرانی را دگرگون ساخته است. وقوع انقلاب اسلامی و رشد ارزش‌های عدالت خواهانه، گسترش آزادی‌های مدنی، فرایند نوسازی و توسعه جامعه، دگرگونی ارزش‌های سنتی، افزایش تحصیلات دانشگاهی، بهره‌مندی از رسانه‌های جمعی و دسترسی به اطلاعاتی که در سطح جهانی گردش دارد؛ در مجموع میزان سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زنان را ارتقا داده است. گسترش ارتباطات جهانی و ظهور گفتمان‌های جنسیتی رقیب و رواج رویکردهای فمینیستی متعدد با زاویه دید متنوع، زمینه بازاندیشی زنان را درباره موقعیت، جایگاه و نقش خود فراهم نموده است. این وضعیت به تدریج جایگاه زنان را در سلسله مراتب جامعه و انتظار برای نقش آفرینی آن‌ها را در اداره امور جامعه متحول ساخته است. در این عرصه زنان ایرانی از این بازاندیشی بی بهره نبوده و در مسیر تجدید حیات فکری خود گام‌های مؤثری برداشته‌اند و هر زمان که گشایش ساختاری رخ داده است به مثابه عاملان اجتماعی به عرصه آمده‌اند(حسنی و اخوان کاظمی،۱۳۹۹).

در این فرایند عرصه‌های جدیدی برای افزایش توانمندی‌ها و بروز شایستگی‌ها و عاملیت‌های زنانه فراهم آمده است. حضور گسترده زنان در عرصه آموزش عالی و سیر صعودی آن در دهه‌های اخیر مصداق مهمی برای عاملیت زنان است. اما علی رغم حضور زنان ایرانی در عرصه‌های عمومی و مشارکت فعال و مؤثر به لحاظ کمی و کیفی در نظام آموزشی، بهداشتی و پزشکی و همچنین فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی، کنش گری آنان در عرصه سیاست کمرنگ تر بوده است.

تحولات سبب شده است زنان بر اساس نقش‌های اجتماعی در حیطه‌های عمومی یعنی اشتغال و تحصیل و کسب موقعیت‌های متناسب اجتماعی تعریف و ارزیابی شوند. بنابراین زنان به تبعیض جنسیتی حساس هستند و بعضا موقعیت‌های اجتماعی متناسب و برابر با مردان را می‌طلبد. افول ارزش‌ها و هنجاری‌های مقوم خانواده سنتی به همراه تقویت

ارزش‌های مبتنی بر فردیت، برابری طلبانه و معنای جدید از خوشبختی انتظارات زنان را از زندگی خانوادگی تغییر داده است. گرایش به اشتغال بیرون از خانه، میل فزاینده به ساختن آینده و کنترل بر زندگی خود از جمله ارزش‌های جدیدی است که به ویژه در میان زنان جوان تحصیل کرده افزایش یافته‌اند. زنان در پی تغییرات نگرشی، خواهان مشارکت بیشتر در فعالیت‌های اقتصادی‌اند، در حالی که فرصت‌های شغلی از لحاظ جنسیتی توزیعی نابرابر دارند. همچنین نهادهای اقتصادی و حقوقی متناسب با تغییرات نقشی و تحولات ارزش‌ها دگرگون نشده‌اند و امکان پاسخگویی به نیازهای برخاسته از تغییر ارزش‌ها را ندارند. به این ترتیب مجموعه‌ای از تعارض‌ها هم خود زنان و هم بیرون از دنیای نگرشی زنان و نهادهای اجتماعی پدیدار شده است. این تعارض به رشد احساس تبعیض، نارضایتی جنسیتی، احساس از دست دادن کنترل بر زندگی خود، تنش هویتی و سرخوردگی و یأس در آن‌ها منتهی شده است.گویی که توسعه نامتوازن در حوزه زنان رخ داده است و به لحاظ سیاسی و مدیریتی در فضایی نابرابر با مردان به سر می‌برند. در حالی که الگوی «توسعه جامعه» بر پایه هر نظام عقیدتی و هر پارادایم علمی که شکل گرفته باشد؛ عدالت فراگیر، رعایت حقوق انسان‌ها و رفع محرومیت از افراد آسیب پذیر از جمله اهداف یا نتایج مورد انتظار آن است (مدنی قهفرخی،۱۳۹٤).

رشد آگاهی در زنان و هویت یابی زنانه بخشی به درگیری آن‌ها در تعاملات اجتماعی و حوزه عمومی و بخش دیگر به فعالیت‌های آگاهی بخشی جنبش‌های زنان نسبت داده می‌شود. باور عمومی بر این است که حتی زنانی که به نحوی این حرکت را رد می‌کنند، به خاطر سطح بالای باخبری از مسایل جنسیتی توسط رسانه‌ها و یا سایر مراجع و منابع اطلاع دهنده، هویت جنسیتی فعالی را از خود بروز می‌دهند. در شکل‌گیری این موقعیت جدید بر آگاهی نسبت به مؤلفه‌های ساختاری و جمعیتی، تجربیات زنانه و تمایلات ایدئولوژیک تأکید می‌شود (احمدی،۱٤۰۱).

تحولات فرهنگی- ارتباطی دهه‌های اخیر به ظهور جنبش زنان در متن یک صورت بندی جدید منجر شده و در حقیقت نمادهای تازه‌ای را از روابط اجتماعی و سیاسی مطرح کرده است. جامعه ایران نیز از این تحولات به دور نبوده و این تغییرات به اشکال مختلف ظهور و بروز یافته است (حسنی و اخوان کاظمی،۱۳۹۹). تحولاتی که اینترنت در زمینه ارتباط گیری بین افراد ایجاد کرده است باعث شده که حرکات اعتراضی وسیعی بدون نیاز به سازماندهی و تشکل یابی در سال‌های اخیر در ایران و کشورهای دیگر شکل بگیرند. از این جهت رسانه‌های اجتماعی دیجیتال تسهیل کننده و تسریع کننده فرایند بسیج سیاسی بوده‌اند (کدیور،۱٤۰۱).

کنشگری سیاسی به معنای فعالیت‌های هدفمند و سازمان‌یافته‌ای است که افراد یا گروه‌ها برای تأثیرگذاری بر سیاست‌ها، تصمیمات و ساختارهای اجتماعی انجام می‌دهند. این مفهوم شامل فعالیت‌هایی است که در راستای تغییرات سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی

صورت می‌گیرد و می‌تواند به اشکال مختلفی از جمله اعتراضات، کمپین‌های انتخاباتی یا مطالبه محور و تلاش برای اصلاح قوانین و سیاست‌ها بروز کند(اوغلی،۱۳۹۵).

کنش سیاسی ناظر بر فعالیت ها و اقداماتی است که افراد یا گروه ها برای تاثیرگذاری بر سیاست‌ها و تصمیم‌گیرهای حکومتی انجام می‌دهند. کنشگری سیاسی طیف گسترده‌ای از رفتارها و کنش‌ها را در مواجهه با امر سیاسی شامل می‌شود و تا حدودی گسترده‌تر و متنوع‌تر از مشارکت سیاسی است. برداشت‌های جدیدتر از مفهوم مشارکت سیاسی، به نسبت تعاریف کلاسیک قرابت بیشتری با کنشگری سیاسی دارد. در ادبیات سنتی جامعه شناسی، مفهوم مشارکت سیاسی، عمدتاً کنش‌های قانونی و متعارف از ناحیه شهروندان را شامل می‌شود و رفتارهای اعتراضی، خشونت آمیز و مفاهیمی چون بیگانگی سیاسی یا نافرمانی مدنی و یا کنششگری در بستر فصای مجازی در دایره مفهوم مشارکت مفروض گرفته نمی‌شود. اما در نگاه جدیدتر مفهومی فراگیر از مشارکت سیاسی تصور می‌شود (خرمشاد و قزل ایاق،۱٤۰۲). این کنش‌ها می‌توانند شامل شرکت در انتخابات،اعتراضات خیابانی، لابی گری، نوشتن نامه‌های سرگشاده و مشارکت در کمپین‌های سیاسی باشند(راش،۱٤۰۲: ٤٥).

یکی از رویدادهایی که کنشگری سیاسی زنان قابل توجه است اتفاقات سال ۱٤۰۱ است . با آن که اعتراضات نیمه دوم سال ۱٤۰۱ پدیده‌ای خلق الساعه در تاریخ سیاسی ایران محسوب می‌شود؛ حوادث و تحولات متأثر از آن را بدون اعتنا به سال‌ها و اتفاقات پیش از آن نمی‌توان مورد بررسی قرار داد. از سوی دیگر اتفاقاتی که با نام رویداد زن–زندگی– آزادی که در پس اعتراضات پاییز ۱٤۰۱ شکل گرفت مجموعه پیچیده‌ای از مطالبات را از سطحی‌ترین مطالبات که ساختارهای سیاسی را نشانه می‌گرفت تا عمیق‌ترین آن که ابعاد نهان اجتماعی و ناخودآگاه جمعی جامعه را به تکاپو می‌داشت در درون خود جای می‌داد. مجموعه این‌ها بیانگر مواجهه با پدیده‌ای متفاوت از رویدادهای و جنبش‌های اعتراضی پیشین نیز بود. مسأله‌ای که باعث می‌شود امکان ارائه تحلیل نظری که قابلیت پردازش و تبیین تمامی جوانب و ابعاد این رویداد را شامل گردد(خوش بیان و همکاران،۱٤۰۳).

یکی از موضوعات مهم و اثرگذار در کنش گری زنان، سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی با وجوه مختلف زندگی ما آمیخته است و اثراتی را از سطح فردی و درونی گرفته تا سطح گروه و جامعه بر جا می‌گذارد. حیات فردی و حتی عواطف ما از سرمایه اجتماعی تأثیر می‌پذیرد و در عین حال سطح رشد اقتصادی و فرایندهایی چون دموکراتیزاسیون هم با سرمایه اجتماعی رابطه دارند. محدوده عمل سرمایه اجتماعی دایره وسیعی را شامل می‌شود که در آن گاه سرمایه اجتماعی بر شخصی‌ترین دگرگونی‌ها و تجربه‌های روحی و روان‌شناختی تأثیر می‌گذارد و گاه بر روندهای کلان جامعه مانند سطح توسعه اقتصادی، قدرت نهادهای دموکراتیک، وضع سلامت و بالاخره کارکرد نهاد آموزش و پرورش تأثیر گذار است. سرمایه اجتماعی علی‌رغم قابلیت تبدیل به انواع گوناگون سرمایه ساز و کار

خاص خود را دارد. شناخت این ساز و کارها به افراد کمک می‌کند تا در قلمروی این سرمایه با منطق و نحوه عمل خاص آن رفتار کنند، توقع‌های خود را تعدیل کنند و مثل هر نوع سرمایه دیگری محدودیت‌ها و چالش‌های همراه سرمایه اجتماعی را بشناسند(کاظمی پور و گودرزی،۱٤۰۲: ۳٦-۳۱).

در کنار سرمایه اجتماعی، سایر اشکال سرمایه نیز در تحلیل جامعه شناختی نقش کلیدی ایفا می‌کنند:

سرمایه فرهنگی با تمرکز بر دانش و مهارتهای نهادینهشده، نابرابریهای آموزشی و شغلی را بازتولید می‌کند (لارئو ،۲۰۱۹). سرمایه اقتصادی به ویژه در جوامع نئولیبرال، دسترسی به فرصت‌های سلامت و مسکن را تعیین و شکاف‌های طبقاتی را تشدید می‌نماید (پیکتی ،۲۰۱٤) و سرمایه نمادین از طریق رسانه‌های دیجیتال، هنجارهای سلطه را طبیعی جلوه داده و بر پذیرش عمومی تأثیر می‌گذارد.

بررسی و کاوش پیرامون شناخت جایگاه و بازتاب انواع سرمایه در کنش گری سیاسی زنان معترض بازداشت شده در اتفاقات پاییز ۱٤۰۱ می‌تواند بینش‌های نظری مفیدی به دست دهد که با توجه به آن‌ها می‌توان گامی در شناخت عوامل مؤثر بر فرهنگ سیاسی این گروه از زنان به عنوان بخشی از هسته اصلی معترضان اتفاقات سیاسی – اجتماعی برداشت و فهم و شناخت بهتری از ماهیت کنش سیاسی آن‌ها با تاکید بر نوع سرمایه‌ای که موجب حضور میدانی و کنش گری منجر به دستگیری و بازداشت آن‌ها شده است به دست آورد.

پیشینه تحقیق

میرخوشخو و صادقی‌فسایی (۱٤۰۱) در پژوهشی نتیجه گرفتند مجموعه‌ای از عوامل درون‌جنسیتی و برون‌جنسیتی شامل ابعاد اجتماعی، فرهنگی، فردی و ساختاری موجب محدودیت‌های سیاست‌ورزی زنان می‌شود؛ به‌طوری‌که زنان اصولگرا موانع روان‌شناختی فردی و زنان اصلاح‌طلب موانع ساختاری ـ فرهنگی را مهم‌تر ارزیابی کرده‌اند. مرادی‌نژاد و همکاران (۱٤۰۱) در پژوهشی نتیجه گرفتند زنان برای مواجهه با امر سیاسی چهار نوع استراتژی شامل مقاومت جسورانه، بی‌عملی منتظرانه، سیاست‌ورزی نرم و عزلت‌گزینی مأیوسانه اتخاذ می‌کنند. محمدی و پاشایی (۱٤۰۰) در پژوهشی نتیجه گرفتند شکل‌گیری تشکل‌های اجتماعی زنانه تحت تأثیر عواملی چون پیشینه تاریخی کنشگری زنان، رشد آموزش عالی زنان، نگرش‌های فمینیستی و حضور در بازار کار است و تعاملات این تشکل‌ها با مؤلفه‌هایی مانند روابط افقی، مقاومت زنانه و خشونت‌پرهیزی شکل می‌گیرد.

صالحی و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی نتیجه گرفتند زنان جوان ایرانی از سطوح پایین حمایت اجتماعی و مشارکت اجتماعی رنج می‌برند و مهم‌ترین موانع مشارکت آنان کمبود زمان، پول، محدودیت‌های فرهنگی ـ اجتماعی و سطح پایین اعتماد اجتماعی است؛ همچنین زنان با تقویت قدرت درونی و چالش‌گری جنسیتی به پیامدهای مثبت فردی و اجتماعی دست می‌یابند. قریشی (۲۰۲۱) در پژوهشی نتیجه گرفت کنشگری زنان ایرانی در سه حوزه رسانه، مشارکت مدنی و فعالیت سیاسی شکل گرفته و زنان با همکاری شبکه‌ای و چندسطحی با گروه‌های اجتماعی مختلف به تقویت جامعه مدنی مشورتی و مشارکت‌محور کمک می‌کنند. عدالتی (۲۰۲۰) در پژوهشی نتیجه گرفت زنان ایرانی با راهبردهایی چون چانه‌زنی با مردسالاری، مقاومت تدریجی و دگرگونی آرام اجتماعی، خوانش‌های تبعیض‌آمیز از قوانین را به چالش کشیده و در تغییرات اجتماعی مشارکت دارند؛ و در حالی که ارزش‌های مرتبط با زنانگی و خانواده را مثبت می‌دانند، تفاسیر مردسالارانه از دین و فرهنگ را عامل اصلی نابرابری قلمداد می‌کنند.

مبانی نظری

کنشگری سیاسی به مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و کنش‌های آگاهانه افراد یا گروه‌های اجتماعی اطلاق می‌شود که با هدف اثرگذاری بر فرایندهای سیاسی، اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های عمومی انجام می‌گیرد. این مفهوم در رویکردهای جدید جامعه‌شناختی، محدود به مشارکت رسمی در نهادهای سیاسی نیست، بلکه اشکال متنوعی از کنش‌های مدنی، مطالبه‌گری، اعتراض، فعالیت‌های جمعی و حضور در عرصه عمومی را نیز دربرمی‌گیرد. بر این اساس، کنشگری سیاسی پدیده‌ای چندبعدی است که شکل‌گیری آن تحت تأثیر عوامل فردی، فرهنگی، اجتماعی و ساختاری قرار دارد (راش، ۱٤۰۲؛ خرمشاد و قزل‌ایاق، ۱٤۰۲).

در مورد زنان، این کنشگری با توجه به تغییرات اجتماعی، افزایش سطح تحصیلات، گسترش ارتباطات، تغییر نگرش‌های جنسیتی و بازاندیشی نسبت به نقش اجتماعی آنان، ابعاد تازه‌ای یافته است. ازاین‌رو، فهم کنشگری سیاسی زنان نیازمند توجه به تجربه‌های زیسته آنان و زمینه‌های اجتماعی‌ای است که این تجربه‌ها در آن شکل می‌گیرد (حسنی و اخوان کاظمی، ۱۳۹۹؛ احمدی، ۱٤۰۱).

یکی از مفاهیم مهم برای تحلیل کنش‌های اجتماعی و سیاسی، سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی به منابعی اشاره دارد که از طریق شبکه‌های اجتماعی، روابط میان‌فردی، اعتماد متقابل، هنجارهای همکاری و تعاملات اجتماعی ایجاد می‌شود و ظرفیت افراد و گروه‌ها را برای کنش جمعی افزایش می‌دهد (کلمن، ۱۹۸۸؛ پاتنام، ۱۹۹۵).

در دیدگاه بوردیو، سرمایه اجتماعی حاصل عضویت افراد در شبکه‌های پایدار روابط اجتماعی است که امکان دسترسی آنان به منابع و حمایت‌های مختلف را فراهم می‌کند (بوردیو، ۱۹۸٦). کلمن سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از روابط، تعهدات و هنجارهایی می‌داند که همکاری و کنش هدفمند را تسهیل می‌کنند (کلمن، ۱۹۸۸). پاتنام نیز با تأکید بر نقش اعتماد، شبکه‌های اجتماعی و مشارکت مدنی، سرمایه اجتماعی را یکی از عوامل مؤثر در تقویت همکاری اجتماعی و مشارکت جمعی معرفی می‌کند (پاتنام، ۱۹۹۵).

اگرچه سایر اشکال سرمایه، از جمله سرمایه فرهنگی، اقتصادی و نمادین، در تبیین کنش‌های اجتماعی اهمیت دارند، اما در پژوهش حاضر سرمایه اجتماعی به‌عنوان چارچوب مفهومی اصلی انتخاب شده است؛ زیرا تجربه کنشگری سیاسی، به‌ویژه در میان زنان، تنها بر اساس ویژگی‌های فردی قابل فهم نیست، بلکه در بستر شبکه‌های ارتباطی، روابط اجتماعی، احساس تعلق، حمایت‌های متقابل و منابع اجتماعی شکل می‌گیرد (بوردیو، ۱۹۸٦؛ کلمن، ۱۹۸۸).

سرمایه اجتماعی می‌تواند از طریق فراهم کردن زمینه‌های ارتباط، انتقال تجربه، ایجاد همبستگی و تقویت احساس توانمندی، در شکل‌گیری و تداوم کنش‌های جمعی نقش داشته باشد. از این منظر، وجود شبکه‌های اجتماعی و روابط مبتنی بر اعتماد می‌تواند ظرفیت افراد را برای مشارکت در عرصه عمومی و پیگیری مطالبات اجتماعی افزایش دهد (پاتنام، ۱۹۹۵؛ کاظمی‌پور و گودرزی، ۱٤۰۲).

بر این اساس، کنشگری سیاسی زنان را می‌توان در پیوند میان عاملیت فردی و شرایط اجتماعی تحلیل کرد. زنان در مواجهه با فرصت‌ها و محدودیت‌های موجود، بر اساس تجربه‌های شخصی، منابع اجتماعی در دسترس و تعاملات خود با دیگران، معناهای خاصی به کنش‌هایشان می‌دهند و راهبردهای متفاوتی را انتخاب می‌کنند. بنابراین، سرمایه اجتماعی نه به‌عنوان عاملی قطعی و تعیین‌کننده، بلکه به‌عنوان بستری برای فهم چگونگی شکل‌گیری معنا، انگیزه، راهبردهای کنشگری و بازاندیشی افراد نسبت به تجربه‌های سیاسی و اجتماعی خود در نظر گرفته می‌شود (گیدنز، ۱۹۸٤؛ بوردیو، ۱۹۸٦).

در پژوهش حاضر، این چارچوب نظری برای فهم تجربه زیسته زنان بازداشت‌شده در ارتباط با رویدادهای اعتراضی پاییز ۱٤۰۱ به کار گرفته می‌شود. بر این اساس، تلاش می‌شود تجربه‌های مشارکت‌کنندگان در زمینه‌هایی مانند شکل‌گیری انگیزه‌های کنشگری، شیوه‌های مواجهه با شرایط اجتماعی، راهبردهای کنش معترضانه، منابع و ظرفیت‌های موجود و بازاندیشی آنان نسبت به تجربه‌های خود، در بستر روابط اجتماعی و سرمایه‌های در اختیارشان تفسیر شود. به بیان دیگر، سرمایه اجتماعی در این پژوهش ابزاری برای فهم معنای تجربه‌شده کنشگری سیاسی زنان است، نه چارچوبی از پیش تعیین‌شده برای توضیح یا قضاوت درباره این تجربه‌ها.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با استفاده از روش پدیدارشناسی تفسیری انجام شده است. هدف این رویکرد فهم عمیق تجربه زیسته زنان از کنشگری سیاسی و معنایی است که آنان از این تجربه در بستر اجتماعی و سیاسی خود می‌سازند. مشارکت‌کنندگان پژوهش زنانی بودند که در پی رویدادهای اعتراضی پاییز ۱۴۰۱ بازداشت شده و در ندامتگاه‌های اوین و قرچک نگهداری شده بودند. انتخاب مشارکت‌کنندگان با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند انجام شد و فرایند نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. در مجموع ۲۱ نفر از زنان دارای تجربه مستقیم از این رویداد در فاصله زمانی مرداد ۱۴۰۲ تا خرداد ۱۴۰۳ مورد مصاحبه قرار گرفتند. این افراد از نظر سن، وضعیت تأهل و سطح تحصیلات تنوع نسبی داشتند که به غنای داده‌های پژوهش کمک کرد. گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته انجام شد. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل پدیدارشناسانه فن‌مانن استفاده شد. در این روش، متن مصاحبه‌ها چندین بار مطالعه می‌شود و از طریق رویکردهای کل‌نگر، انتخابی و جزئی مضامین اصلی تجربه مشارکت‌کنندگان استخراج می‌گردد. به منظور افزایش اعتبار پژوهش نیز مصاحبه‌ها ضبط و پیاده‌سازی شد، فرایند تحلیل به طور دقیق ثبت گردید و بخشی از یافته‌ها با برخی مشارکت‌کنندگان و استادان راهنما و مشاور مرور شد.

یافته‌ها

در این پژوهش، ۲۱ نفر از زنان دارای تجربه مستقیم از رویدادهای اعتراضی پاییز ۱۴۰۱ مشارکت داشتند. مشارکت‌کنندگان با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و فرایند گردآوری داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته گردآوری و با استفاده از روش پدیدارشناسی تفسیری فن‌مانن تحلیل شد. تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به استخراج هفت مضمون اصلی و مجموعه‌ای از مضامین فرعی انجامید که ابعاد مختلف تجربه زیسته زنان از کنشگری، زمینه‌های شکل‌گیری آن، منابع مورد استفاده و بازاندیشی آنان نسبت به تجربه‌های گذشته را نشان می‌دهد.

از نظر وضعیت تأهل ٦١/٩ درصد (١٣ نفر) از مشارکت‌کنندگان مجرد، ١٩/٠٤درصد (٤ نفر) متأهل و ١٩/٠٤درصد (٤ نفر) مطلقه بودند. از نظر سنی، ٦٦/٦ درصد (١٤ نفر) در بازه سنی ٢٠ تا ٣٠ سال، ٢٨/٥ درصد (٦ نفر) در بازه سنی ٣١ تا ٤٠ سال ٤/٧ درصد (١ نفر) در گروه سنی ٤١ سال و بالاتر قرار داشتند. میانگین سنی مشارکت‌کنندگان ٢٦/١ سال گزارش شده است.

از نظر سطح تحصیلات ٥٧/١ درصد (١٢ نفر) دارای مدرک کارشناسی، ١٤/٢درصد (٣ نفر) زیر دیپلم، ٩/٥ درصد (٢ نفر) دارای مدرک کارشناسی ارشد، ٩/٥ درصد (٢ نفر) دانشجو و ٤/٧درصد (١ نفر) دارای مدرک فوق‌دیپلم بودند.

از نظر وضعیت مسکن نیز، ٥٧/١ درصد (١٢ نفر) مستأجر، ٣٨/٠٩ درصد (٨ نفر) صاحب‌خانه و ٤/٧درصد (١ نفر) ساکن خوابگاه بودند.

١. تجربه‌های مواجهه و واکنش‌های برآمده از آن

نخستین مضمون اصلی، «تجربه‌های مواجهه و واکنش‌های برآمده از آن» است که شامل دو مضمون فرعی «تجربه مواجهه با شرایط رخ‌داده» و «واکنش‌های برآمده از تجربه زیسته» می‌شود.

روایت‌های مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که مواجهه آنان با رویدادهای اعتراضی و قرار گرفتن در موقعیت‌های پرتنش، تجربه‌هایی عاطفی، شناختی و اجتماعی را برای آنان ایجاد کرده است. این تجربه‌ها در نحوه تفسیر آنان از شرایط اجتماعی و شکل‌گیری تصمیم‌های بعدی آنان درباره کنشگری نقش داشته است.

یکی از مشارکت‌کنندگان بیان می‌کند:

«شاید بدترین تجربه من این بود که دختران و زنان را می‌دیدم که در جریان این اتفاقات با شرایط سختی مواجه می‌شدند و همین موضوع احساسات مرا بیشتر درگیر می‌کرد.»

(مشارکت‌کننده شماره ١٦)

مشارکت‌کننده دیگری اظهار می‌کند:

«هر روز خبرهایی از بازداشت افراد و اتفاقات مختلف می‌شنیدیم و همین باعث می‌شد احساس کنیم باید حضور و مطالباتمان را ادامه دهیم.»

(مشارکت‌کننده شماره ۲)

همچنین یکی از مشارکت‌کنندگان بیان می‌کند:

«آنچه برای من برجسته بود، نحوه برخورد مسئولان با این اتفاقات بود و احساس می‌کردم این شیوه برخورد باعث افزایش واکنش‌ها می‌شود.»

(مشارکت‌کننده شماره ۷)

این روایت‌ها نشان می‌دهد که تجربه مواجهه با شرایط رخ‌داده، برای مشارکت‌کنندگان صرفاً یک تجربه فردی نبوده، بلکه در پیوند با برداشت آنان از محیط اجتماعی و نحوه تعامل با آن معنا یافته است.

۲. ساختار خانوادگی و فرهنگی

دومین مضمون اصلی، «ساختار خانوادگی و فرهنگی» است که شامل سه مضمون فرعی «فرهنگ و ساختار مردسالارانه»، «سیاست‌ها و قوانین مرتبط با زنان» و «خانواده کنترل‌گر و سنتی» می‌شود.

یافته‌ها نشان می‌دهد که مشارکت‌کنندگان تجربه کنشگری خود را در بستری از روابط خانوادگی، هنجارهای فرهنگی و تجربه‌های اجتماعی معنا کرده‌اند. در روایت آنان، برخی محدودیت‌ها و نابرابری‌های جنسیتی از سطح روابط خانوادگی آغاز شده و در تعامل با محیط اجتماعی گسترده‌تر تجربه شده است.

یکی از مشارکت‌کنندگان بیان می‌کند:

«من یک زن کرد هستم، فضای عمومی و کلی در شهرهای کردنشین، فضای مردانه است. غالباً زنان، طبقه پایین جامعه محسوب می‌شوند.»

(مشارکت‌کننده شماره ۳)

مشارکت‌کننده دیگری اظهار می‌کند:

«تجربه تبعیض جنسیتی و نابرابری را هم در خانواده حس می‌کردم و هم در جامعه.»

(مشارکت‌کننده شماره ۱)

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان نیز به مشکلات برخی زنان در روابط خانوادگی و اجتماعی اشاره می‌کند:

«برخی زنان در صورت تصمیم به جدایی با مشکلات اقتصادی، خانوادگی و حقوقی روبه‌رو می‌شوند و همین شرایط تصمیم‌گیری را برای آنان دشوار می‌کند.»

(مشارکت‌کننده شماره ٤)

این روایت‌ها نشان می‌دهد که ساختار خانوادگی و فرهنگی، یکی از زمینه‌های مهم در شکل‌گیری تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان بوده است.

۳. راهبردهای کنشگری اعتراضی

سومین مضمون اصلی، «راهبردهای کنشگری اعتراضی» است که شامل هفت مضمون فرعی «کنشگری معطوف به اعتراض نسبت به حجاب رسمی»، «کنشگری در فضای مجازی»، «روش‌ها و خلاقیت‌های اعتراضی»، «کنشگری میدانی»، «حضور خانوادگی در اعتراضات»، «راهبرد استمرار کنشگری» و «گروه‌ها و انجمن‌های تأثیرگذار» می‌شود.

روایت‌های مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که کنشگری آنان در قالب شیوه‌های متنوعی تجربه شده است. این شیوه‌ها شامل فعالیت‌های ارتباطی، استفاده از فضای مجازی، تبادل اطلاعات، حضور در عرصه عمومی و بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی بوده است.

یکی از مشارکت‌کنندگان بیان می‌کند:

«ما تمام تصاویر، فیلم‌ها و حتی خبرهایی که به دستمان می‌رسید دسته‌بندی می‌کردیم و برای پیگیری اخبار و اطلاع‌رسانی در شبکه‌ها بازنشر می‌دادیم.»

(مشارکت‌کننده شماره ۱)

بر اساس این روایت‌ها، فضای مجازی و شبکه‌های ارتباطی، برای مشارکت‌کنندگان بستری برای ارتباط، انتقال تجربه و ایجاد پیوندهای اجتماعی فراهم کرده است.

٤. بسترهای اقتصادی، اجتماعی و حکمرانی

چهارمین مضمون اصلی، «بسترهای اقتصادی، اجتماعی و حکمرانی» است که شامل پنج مضمون فرعی «بی‌اعتمادی به حاکمیت»، «شرایط اقتصادی و اجتماعی»، «ناکارآمدی برخی ساختارهای حکمرانی»، «سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی» و «مطالبات معترضان» می‌شود.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مشارکت‌کنندگان، تجربه کنشگری خود را جدا از شرایط گسترده‌تر اقتصادی، اجتماعی و نهادی جامعه نمی‌دانند. در روایت آنان، عواملی مانند نگرانی نسبت به آینده، مشکلات معیشتی، کاهش اعتماد اجتماعی و احساس فاصله میان جامعه و نهادهای رسمی، از زمینه‌هایی بوده‌اند که در شکل‌گیری برداشت آنان از شرایط اجتماعی نقش داشته‌اند.

یکی از مشارکت‌کنندگان بیان می‌کند:

«در هر جامعه‌ای شرط لازم برای پیشرفت، ایجاد اعتماد میان مردم و دولت است. امروز احساس می‌کنم این اعتماد میان مردم و دولت کاهش پیدا کرده است.»

(مشارکت‌کننده شماره ۵)

مشارکت‌کننده دیگری اظهار می‌کند:

«ما جوانان با امید به بهتر شدن شرایط در انتخابات شرکت می‌کردیم، اما وقتی فاصله میان وعده‌ها و عملکرد را می‌دیدیم، احساس نارضایتی بیشتری شکل می‌گرفت.»

(مشارکت‌کننده شماره ١٦)

این روایت‌ها نشان می‌دهد که مشارکت‌کنندگان، کنشگری خود را در ارتباط با مجموعه‌ای از تجربه‌های اجتماعی و برداشت‌های آنان از شرایط اقتصادی، نهادی و فرهنگی معنا کرده‌اند.

۵. انگیزه‌ها و زمینه‌های کنشگری

پنجمین مضمون اصلی، «انگیزه‌ها و زمینه‌های کنشگری» است که شامل شش مضمون فرعی «ناامیدی و سرخوردگی»، «خشم و نارضایتی»، «تمایل به مهاجرت یا ترک کشور»، «احساس بی‌عدالتی و نادیده گرفته‌شدن»، «انگیزه‌های درونی و عوامل بیرونی» و «شکاف نسلی و تفاوت نگرش‌ها» می‌شود.

یافته‌ها نشان می‌دهد که کنشگری مشارکت‌کنندگان صرفاً در نتیجه یک عامل بیرونی شکل نگرفته، بلکه مجموعه‌ای از تجربه‌های فردی، احساسات، برداشت از آینده و ادراک آنان از شرایط اجتماعی در این فرایند نقش داشته است.

یکی از مشارکت‌کنندگان بیان می‌کند:

«یک دنیا حرف دخترانه به دل مانده بود که کسی اشتیاقی به شنیدن آن نداشت؛ برای من همه چیز سرد و بی‌روح بود، انگار فقط فصل زمستان بود.»

(مشارکت‌کننده شماره ۱)

مشارکت‌کننده دیگری اظهار می‌کند:

«جواب ناامیدی ما از آینده شد حبس.»

(مشارکت‌کننده شماره ٤)

همچنین یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان بیان می‌کند:

«دلمان به چه چیزی باید خوش باشد؟ به مشکلات اقتصادی، شرایط اجتماعی و نگرانی نسبت به آینده؛ واقعاً احساس ناامنی می‌کنیم.»

(مشارکت‌کننده شماره ۳)

این روایت‌ها نشان می‌دهد که انگیزه‌های کنشگری در تجربه مشارکت‌کنندگان، در تعامل میان عوامل عاطفی، هویتی، اجتماعی و شرایط پیرامونی شکل گرفته است.

٦. سرمایه‌ها و کنشگری

ششمین مضمون اصلی، «سرمایه‌ها و کنشگری» است که شامل پنج مضمون فرعی «سرمایه فرهنگی»، «سرمایه اجتماعی و همبستگی»، «سرمایه قومیتی»، «شهروندی و کنش آگاهانه» و «عاملیت زنانه» می‌شود.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کنشگری زنان در جریان رویدادهای اعتراضی، صرفاً حاصل تجربه‌ها و انگیزه‌های فردی نبوده، بلکه در پیوند با مجموعه‌ای از سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و هویتی شکل گرفته است. مشارکت‌کنندگان از منابع مختلفی برای تفسیر تجربه‌های خود، برقراری ارتباط با دیگران، بیان مطالبات و استمرار حضور اجتماعی خود بهره گرفته‌اند.

در میان انواع سرمایه‌ها، سرمایه اجتماعی و شبکه‌های ارتباطی نقش مهمی در شکل‌گیری و تداوم کنشگری مشارکت‌کنندگان داشته است. روایت‌های آنان نشان می‌دهد که روابط میان‌فردی، ارتباط با دوستان، گروه‌های مجازی، پیوندهای خانوادگی و شبکه‌های حمایتی، زمینه تبادل اطلاعات، دریافت حمایت، شکل‌گیری احساس همبستگی و تقویت ارتباط میان افراد را فراهم کرده است. این شبکه‌ها تنها مجرای انتقال اطلاعات نبوده‌اند، بلکه بستری برای ایجاد اعتماد، همراهی و احساس تعلق جمعی نیز محسوب شده‌اند.

یکی از مشارکت‌کنندگان بیان می‌کند:

«فقط ما تنها این شرایط را نداشتیم و در فضای مجازی فیلم‌هایی را می‌دیدیم که شرایط‌شان شبیه به ما بود و همین باعث می‌شد همبستگی بین ما شکل بگیرد.»

(مشارکت‌کننده شماره ۷)

این روایت نشان می‌دهد که مواجهه با تجربه‌های مشابه و ارتباط با افراد دارای شرایط نزدیک، در ایجاد احساس مشترک و تقویت پیوندهای اجتماعی میان مشارکت‌کنندگان نقش داشته است.

در کنار سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی نیز از جمله منابع مهم در شکل‌گیری کنشگری مشارکت‌کنندگان بوده است. تجربه‌های تحصیلی، افزایش آگاهی اجتماعی، توانایی تحلیل شرایط و استفاده از دانش و اطلاعات برای بیان دیدگاه‌ها، از جمله ابعاد سرمایه فرهنگی در روایت زنان بوده است.

یکی از مشارکت‌کنندگان بیان می‌کند:

«بیشترین زنانی که وارد عرصه سیاست شده‌اند و از نیازها و نگرانی‌های خودشان بحث می‌کنند و مسئولین را به چالش می‌کشانند، کسانی هستند که دانشگاه رفته‌اند و سطح آگاهی آنها افزایش یافته است.»

(مشارکت‌کننده شماره ۳)

همچنین مشارکت‌کننده دیگری اظهار می‌کند:

«بیشترین سرمایه‌ای که ما در اختیار داشتیم، سرمایه فرهنگی بود؛ چرا که تلاش می‌کردیم آگاهی را درباره مسائل اجتماعی و مشکلات موجود با دیگران به اشتراک بگذاریم.»

(مشارکت‌کننده شماره ۱)

این روایت‌ها نشان می‌دهد که سرمایه فرهنگی در تعامل با سرمایه اجتماعی عمل کرده است؛ به این معنا که آگاهی و دانش فردی، از طریق شبکه‌های ارتباطی و روابط اجتماعی، امکان انتقال و تبدیل شدن به تجربه‌ای جمعی را پیدا کرده است.

همچنین در برخی روایت‌ها، سرمایه قومیتی به عنوان بخشی از تجربه هویتی مشارکت‌کنندگان مطرح شده است. تعلقات فرهنگی و تجربه‌های مشترک هویتی، در برخی موارد به ایجاد احساس نزدیکی، همدلی و درک متقابل میان افراد کمک کرده است.

از سوی دیگر، برخی مشارکت‌کنندگان کنشگری خود را در چارچوب شهروندی و آگاهی نسبت به حقوق اجتماعی معنا کرده‌اند. در این روایت‌ها، مشارکت و مطالبه‌گری اجتماعی نه صرفاً به عنوان واکنشی فردی، بلکه به عنوان تلاشی برای ایفای نقش در عرصه عمومی و بیان دیدگاه‌ها و خواسته‌های اجتماعی بازنمایی شده است.

در نهایت، یافته‌ها نشان می‌دهد که سرمایه‌های مختلف به صورت جداگانه عمل نکرده‌اند، بلکه در تعامل با یکدیگر، مسیر شکل‌گیری و تداوم کنشگری زنان را تحت تأثیر قرار داده‌اند. در این میان، سرمایه اجتماعی نقش پیونددهنده‌ای داشته و از طریق ایجاد ارتباط، همبستگی و انتقال تجربه‌ها، زمینه تبدیل منابع فردی و فرهنگی به کنش‌های جمعی را فراهم کرده است.

۷. بازاندیشی در کنش اعتراضی

هفتمین مضمون اصلی، «بازاندیشی در کنش اعتراضی» است که شامل سه مضمون فرعی «بازنگری در شیوه‌های کنشگری»، «مدیریت هیجان‌ها و احساسات» و «توجه به ملاحظات اخلاقی و هنجاری» می‌شود.

یافته‌ها نشان می‌دهد که برخی مشارکت‌کنندگان پس از تجربه مستقیم رویدادها، به ارزیابی دوباره شیوه‌های کنشگری خود پرداخته و بر اهمیت برنامه‌ریزی، هماهنگی، هدفمندی و توجه به پیامدهای کنش تأکید کرده‌اند.

یکی از مشارکت‌کنندگان بیان می‌کند:

«اگر کسی بخواهد به خیابان بیاید، باید برنامه مشخص و هدف مشخص داشته باشد. من خیلی‌ها را می‌دیدم که فقط آمده بودند و شعاری می‌دادند و می‌رفتند.»

(مشارکت‌کننده شماره ۱۰)

مشارکت‌کننده دیگری نیز بیان می‌کند:

«وقتی به آنچه اتفاق افتاد فکر می‌کنم، احساس می‌کنم در کنار بیان خواسته‌ها، باید به شیوه انجام کار و پیامدهای آن هم توجه کرد.»

(مشارکت‌کننده شماره ۸)

این روایت‌ها نشان می‌دهد که تجربه کنشگری، برای مشارکت‌کنندگان صرفاً به معنای حضور در یک موقعیت خاص نبوده، بلکه زمینه‌ای برای یادگیری، ارزیابی تجربه‌های گذشته و بازنگری در شیوه‌های عمل نیز فراهم کرده است.

جمع‌بندی یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان داد که تجربه کنشگری زنان مشارکت‌کننده در رویدادهای اعتراضی پاییز ۱۴۰۱، پدیده‌ای چندبعدی است که در تعامل میان تجربه‌های زیسته، ساختارهای خانوادگی و فرهنگی، شرایط اقتصادی و اجتماعی، سرمایه‌های فردی و جمعی و فرایند بازاندیشی شکل گرفته است.

هفت مضمون اصلی استخراج‌شده نشان می‌دهد که کنشگری زنان را نمی‌توان تنها در قالب یک واکنش لحظه‌ای تفسیر کرد، بلکه این کنش‌ها در پیوند با زمینه‌های اجتماعی، منابع در اختیار و معناهایی که مشارکت‌کنندگان به تجربه‌های خود داده‌اند، شکل گرفته‌اند.

همچنین یافته‌ها نشان داد که سرمایه اجتماعی در قالب شبکه‌های ارتباطی، همبستگی، حمایت متقابل و ارتباطات جمعی، یکی از ظرفیت‌های مهم در تجربه کنشگری مشارکت‌کنندگان بوده است. در کنار آن، سرمایه فرهنگی، تجربه‌های آموزشی، آگاهی اجتماعی و منابع هویتی نیز در شکل‌دهی به این تجربه نقش داشته‌اند.

در مجموع، این یافته‌ها زمینه را برای تحلیل و تفسیر نتایج پژوهش در بخش بحث و نتیجه‌گیری و ارتباط آن با مبانی نظری فراهم می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف فهم تجربه زیسته کنشگری سیاسی زنان با تأکید بر نقش سرمایه اجتماعی انجام شد. یافته‌ها نشان داد که کنشگری سیاسی زنان مشارکت‌کننده، پدیده‌ای چندبعدی است که نمی‌توان آن را صرفاً به یک عامل یا یک موقعیت خاص تقلیل داد؛ بلکه این تجربه در تعامل میان زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، تجربه‌های زیسته، انگیزه‌های فردی، منابع در اختیار و فرایندهای بازاندیشی شکل گرفته است. تحلیل روایت‌های مشارکت‌کنندگان نشان داد که کنشگری آنان در بستری از معناها، روابط اجتماعی و تجربه‌های جمعی شکل گرفته و در طول زمان دستخوش ارزیابی و بازتفسیر قرار گرفته است.

نخستین یافته مهم پژوهش، نقش تجربه‌های زیسته در شکل‌گیری برداشت مشارکت‌کنندگان از شرایط اجتماعی و تصمیم آنان برای کنشگری است. مواجهه با موقعیت‌های پرتنش، تجربه‌های عاطفی و ادراک آنان از محیط پیرامونی، زمینه‌ای فراهم کرده است که در آن، افراد به بازتعریف جایگاه خود و نقش خویش در عرصه عمومی پرداخته‌اند. این یافته با دیدگاه‌های جدید درباره کنش اجتماعی همخوان است که کنش را حاصل تعامل میان تجربه فردی و شرایط اجتماعی می‌دانند.

یافته دوم نشان داد که ساختارهای خانوادگی و فرهنگی، در شکل‌دهی به تجربه زنان از موقعیت اجتماعی و هویتی آنان نقش داشته است. روایت مشارکت‌کنندگان بیانگر آن است که برخی تجربه‌های مربوط به نابرابری، محدودیت نقش‌ها و انتظارات جنسیتی، در سطح روابط روزمره و تعاملات اجتماعی تجربه شده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که کنشگری زنان را باید در پیوند با فرایندهای گسترده‌تر اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی قرار داد.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که راهبردهای کنشگری زنان متنوع بوده و تنها به یک شکل خاص از مشارکت محدود نبوده است. استفاده از شبکه‌های ارتباطی، فضای مجازی، ارتباطات میان‌فردی و حضور در عرصه عمومی، نشان‌دهنده آن است که کنشگری در جهان معاصر می‌تواند از مسیرهای مختلفی شکل گیرد. این یافته با دیدگاه‌هایی که بر نقش فناوری‌های ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی در تسهیل ارتباط و انتقال تجربه‌های جمعی تأکید دارند، همسو است.

یکی از یافته‌های اساسی پژوهش، نقش سرمایه اجتماعی در تجربه کنشگری زنان بود. نتایج نشان داد که روابط اجتماعی، شبکه‌های ارتباطی، حمایت متقابل و احساس همبستگی، زمینه تبدیل تجربه‌های فردی به تجربه‌ای جمعی را فراهم کرده‌اند. در این معنا، سرمایه اجتماعی نه به عنوان یک عامل مستقل و قطعی، بلکه به عنوان بستری ارتباطی عمل کرده است که امکان تبادل اطلاعات، ایجاد پیوندهای اجتماعی و تقویت ظرفیت کنش جمعی را فراهم می‌کند. این یافته با دیدگاه بوردیو درباره نقش شبکه‌های اجتماعی

در دسترسی به منابع و همچنین دیدگاه پاتنام درباره اهمیت اعتماد و ارتباطات اجتماعی در شکل‌گیری همکاری جمعی همخوانی دارد.

در کنار سرمایه اجتماعی، یافته‌ها اهمیت سایر اشکال سرمایه، به‌ویژه سرمایه فرهنگی را نیز نشان داد. سطح تحصیلات، آگاهی اجتماعی، توانایی تحلیل شرایط و دسترسی به منابع اطلاعاتی، در نحوه معنا دادن مشارکت‌کنندگان به تجربه خود نقش داشته است. در واقع، یافته‌ها نشان می‌دهد که سرمایه‌های مختلف در تعامل با یکدیگر عمل می‌کنند و سرمایه فرهنگی و اجتماعی می‌توانند یکدیگر را تقویت کرده و ظرفیت افراد برای حضور و مشارکت اجتماعی را افزایش دهند.

یافته دیگر پژوهش به فرایند بازاندیشی مشارکت‌کنندگان پس از تجربه کنشگری مربوط است. روایت‌ها نشان داد که برخی زنان پس از مواجهه با پیامدهای تجربه‌شده، به ارزیابی دوباره شیوه‌های کنش، اهمیت برنامه‌ریزی، هماهنگی و توجه به پیامدهای تصمیم‌ها پرداخته‌اند. این موضوع با مفهوم بازاندیشی در نظریه گیدنز همخوان است؛ زیرا کنشگران اجتماعی در جریان تجربه‌های خود، به ارزیابی و اصلاح مداوم شیوه‌های عمل می‌پردازند.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که کنشگری سیاسی زنان را باید به عنوان فرایندی اجتماعی و معنامحور در نظر گرفت که در آن تجربه‌های فردی، شبکه‌های اجتماعی، منابع فرهنگی و شرایط ساختاری در تعامل با یکدیگر قرار دارند. سرمایه اجتماعی در این میان، نقش پیونددهنده‌ای ایفا می‌کند و امکان تبدیل تجربه‌های پراکنده فردی به ارتباطات و ظرفیت‌های جمعی را فراهم می‌سازد.

از نظر نظری، این پژوهش نشان می‌دهد که مطالعه کنشگری سیاسی زنان نیازمند توجه هم‌زمان به عاملیت افراد و زمینه‌های اجتماعی است؛ زیرا زنان نه صرفاً محصول ساختارهای اجتماعی هستند و نه مستقل از آن عمل می‌کنند، بلکه در تعامل با فرصت‌ها، محدودیت‌ها و منابع موجود، معنا و مسیر کنش خود را شکل می‌دهند.

در نهایت، این پژوهش می‌تواند به فهم عمیق‌تر نقش سرمایه اجتماعی، شبکه‌های ارتباطی و منابع فرهنگی در تجربه کنشگری زنان کمک کند و زمینه‌ای برای مطالعات بیشتر درباره رابطه میان جنسیت، سرمایه‌های اجتماعی و مشارکت در عرصه عمومی فراهم آورد.

منابع

- اباذری، یوسف و همکاران. (۱٤۰۰). «سرمایه فرهنگی و اجتماعی و عاملیت زنان در ایران. *نامه علوم اجتماعی*، (۱)۲۷. ٤۷-٥٦
- احمدی، وحیده (۱٤۰۱). جایگاه زنان در ناآرامی‌های اجتماعی اخیر. ماه نگار راهبردی دیده‌بان. شماره ۱۲۷. ۱۰٦- ۹٥.
- اکبری مقدم، نیما؛ حاضری، علی محمد (۱٤۰۱). بررسی تطبیقی هویت اعتراضی و نهادهای سازمان بخش جنبش‌های اجتماعی در ایران در طی سال‌های ۱۳۹٦-۱۳۷۸. جامعه شناسی تاریخی. (۱)۱٤. ۱۱۳-۷۹.
- امیری، ابوالفضل؛ نفاوی، حمید (۱۳۹٥). عملیات روانی و تأثیر آن بر اغتشاشات شهری. فصلنامه مدیریت بحران. (۲۷)۷. ۸۲-٥۱.
- امینی، سعیده (۱۳۹٥). بررسی تطبیقی وضعیت اجتماعی زنان در دولت‌های دو دهه اخیر. فصلنامه علوم اجتماعی. (۷٥)۲٦. ۱٤۹-۱۱۹.
- انصاری، منصور؛ سهرابی، فرزانه (۱۳۹۱). تولد مفهوم امر سیاسی: تحولات عینی و ذهنی. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی. (۲۱)۸. ۲۱- ۷.
- اوغلی، رضامحمود (۱۳۹٥). بررسی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی بر کنشگری سیاسی دانشجویان دانشگاه اصفهان. فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی. (٤)٤. ۱٦۸-۱٤٥.
- آزاد ارمکی، تقی؛ جلایی پور، حمیدرضا؛ حاجلی، علی (۱۳۹۹). پیدایش جمعیت معترض: از جنبش‌های شهری تا جنبش‌های فراگیر. (۲)۱۲. ٤۹۹-٤۷۳.
- بدیعی، بهاره (۱٤۰۱). پتانسیل‌های آزاد شده در جنبش ژینا (از گرامرهای طغیانگر فضای مجازی تا تجربه فمینیسم خودمانی). فصلنامه زنان امروز. (٤٦)۹. ۲٤-۳۱.
- بشیریه، حسین (۱۳۸٤). آموزش دانش سیاسی: مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی. انتشارات نگاه معاصر. چاپ چهارم. تهران.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۹). انقلاب و بسیج سیاسی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۹). شکل‌های سرمایه در سرمایه اجتماعی اعتماد، دموکراسی و توسعه. ترجمه افشین خاک باز و حسن پویان. به کوشش کیان تاجبخش. چاپ سوم. تهران. تیراژه.
- بیات، آصف(۱۳۹۲). *سیاست خیابانی در خاورمیانه* .ترجمه فارسی، تهران: نشر نی.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۹۷). نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرایند و پیامدها. چاپ هشتم. انتشارات سمت.

- پورسعید، فرزاد (۱٤۰۱). شورش بازنمایی‌پذیرها: جستاری برای فهم رخداد نسلی در ایران. ماه نگار راهبردی دیده‌بان. شماره ۱۲٦. ۲۹-۲۱.
- جانستون، هنک (۱٤۰۱). جنبش اجتماعی چیست؟؛ ترجمه سعید کشاورزی و مریم کشاورزی. نشر ثالث. چاپ اول.
- جلایی پور، حمیدرضا (۱۳۸۹). جامعه شناسی جنبش‌های اجتماعی با تأکید بر جنبش اصلاحی دوم خرداد. نشر طرح نو. چاپ دوم. تهران.
- حاجلی، علی (۱۳۸٦). فهم و مطالعه جنبش‌های اجتماعی جدید. مؤسسه انتشاراتی جامعه و فرهنگ.
- حسنی نویسی، سعیده (۱٤۰۱). ما هم داستانی داریم. فصلنامه زنان امروز. (٤٦)۹. ۱۸-۲۳.
- حسنی، پیمان (۱٤۰۱). چالش‌های حقوقی سامان دهی تجمعات اعتراض آمیز در ایران. ماه نگار راهبردی دیده‌بان. شماره ۱۲۷. ۱۲۵-۱۱۵.
- حسنی، راضیه؛ اخوان کاظمی، مسعود (۱۳۹۹). ناجنبش زنان و تغییر در مناسبات اجتماعی دتر ایران. فصلنامه علمی-پژوهشی جامعه پژوهی فرهنگی. (۱۱)۳. ۵۹-۸۵.
- خجسته رحیمی، رضا (۱۳۹٦). اصلاحات مرد؛ زنده باد اصلاحات. ماهنامه اندیشه پویا، شماره ٤۸.
- خجسته رحیمی، رضا (۱۳۹۸). تحقیر امید. ماهنامه اندیشه پویا، شماره ٦۳. آذر و دی ۹۸.
- خرمشاد، محمدباقر؛ حسین قزل ایاق، ایمان (۱٤۰۲). تحولات کنشگری سیاسی شهروندان در دوره جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین المللی. (٤)۱٤. ۱۸۲-۱۵۵.
- خوش بیان، سید ابوذر؛ امینی، پرویز؛ حیدری، جواد (۱٤۰۳). چیستی اعتراضات تابستان و پاییز ۱٤۰۱ در ایران (یک مطالعه زمینه بنیاد). فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست.
- دلاپورتا، دوناتلا؛ دیانی، ماریو (۱۳۸٤). مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی. ترجمه محمد تقی دلفروز: تهران. نشر کویر.
- دیانی نژاد، زهرا (۱۳۹۳). کالبد شکافی چهار انقلاب رنگی (صربستان، گرجستان، اوکراین، قرقیزستان). نشر نگاه معاصر. تهران. چاپ اول.
- دیترواوپ، کارل (۱٤۰۱). جنبش اجتماعی و اعتراض سیاسی. ترجمه مجید عباسی. پژوهشکده مطالعات راهبردی. چاپ دوم.
- دیده‌بان، گروه مطالعات ایران (۱٤۰۱). کالبد شکافی ناآرامی‌های شهریور-مهر ۱٤۰۱. ماه نگار راهبردی دیده‌بان. شماره ۱۲٦. ٥٤-٤۳.

- ربانی اصفهانی ، حوریه ،منتظر القایم ، اصغر، ۱٤۰٤،مدل مفهومی کنشگری اجتماعی زنان بر اساس سیره امامان معصوم(ع)در قیاس با جریانهای فکری معاصر، پژوهشنامه تاریخ تشیع ، سال اول، شماره۱
-
- ذباح، محمود؛ فیروزی مقدم، محمود؛ علوی مقدم، مهیار (۱٤۰۱). جامعه شناختی سرمایه‌های زنان بر اساس نظریه انواع سرمایه پیر بوردیو رد رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم. مجله ادبیات فارسی. (۳۲)۱۸. ۵۳-٤۱.
- ذکایی، محمد سعید (۱۳۹۹). هنر انجام پژوهش کیفی از مسئله یابی تا نگارش. انتشارات آگاه. تهران. چاپ اول.
- راش، مایکل (۱٤۰۲). جامعه و سیاست (مقدمه‌ای بر جامعه شناسی سیاسی). ترجمه منوچهر صبوری. انتشارات سمت.
- رحیمی، علیرضا (۱٤۰۱). واکاوی پویش اعتراض ۱٤۰۱ از منظر جامعه شناسی و اقتصاد سیاسی. ماه نگار راهبردی دیده‌بان. شماره ۱۲۷: ۹۳-۸۱.
- روشه، گی (۱۳۸۹). تغییرات اجتماعی. ترجمه منصور وثوقی. نشر نی.
- سردارنیا، خلیل‌اله؛ البرزی، هنگامه (۱٤۰۱). تحلیل اعتراضات صنفی-اجتماعی اخیر در ایران (۱٤۰۰-۱۳۹٦) از منظر سیاست خیابان. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست. (٤۰)۱۱. ۱۵۰-۱۰۷.
- شاپوری، مهدی (۱٤۰۱). ظرفیت‌های فرصت ساز ناآرامی‌ها و اعتراضات. ماه نگار راهبردی دیده‌بان. شماره ۱۲۷. ۱۳۳- ۱۲۷
- شفیع زاده، محمود؛ جانی پور، کرم؛ عامری نیا، محمدباقر (۱۳۹۹). تحلیل جرم شناختی تجمعات سالانه پاسارگارد با نگاهی به جایگاه این تجمعات در حقوق و فقه سیاسی. فصلنامه علمی-پژوهشی جامعه شتاسی سیاسی ایران. (۳)۳. ۳۹٦-٤۲۰.
- شفیع زاده، محمود؛ عامری نیا، محمدباقر؛ جانی پور، کرم (۱٤۰۰). بررسی جرم شناختی اعتراض، آشوب و شورش با نگاهی به جایگاه آن‌ها از منظر حقوقی. پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی. شماره ٤۸. ۲۰-۱.
- شکوهی، شاهین (۱۳۹۸). مطالعه جامعه شناختی کنشگری سیاسی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه شاهد.
- شویره، کریستی ین؛ فونتن، اولیویه (۱۳۸۵). واژگان بوردیو. ترجمه مرتضی کتبی. چاپ اول. تهران: نی.
- شیانی، ملیحه؛ موسوی، میرطاهر (۱۳۹٤). سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی: مفاهیم و رویکردها: تهران، آگاه

- صادقی جقه، سعید (۱٤۰۱). نقش کنش‌هالی گفتاری و رفتاری کارگزاران و نیروهای میدانی در شکل‌گیری و کنترل ناآرامی‌ها. ماهنامه راهبردی دیده‌بان. شماره ۱۲۷. ۱٤٥-۱۳٥.
- صادقی زاده، سامان (۱٤۰۱). تحلیل جامعه شناختی ناآرامی‌های شهریور و مهر ۱٤۰۱. ماه نگار راهبردی دیده‌بان. شماره ۱۲۷. ٦٥-٥۹.
- صادقی زاده، سلمان (۱٤۰۱). عوامل کاهش سرمایه اجتماعی نظام در سال‌های اخیر و پیامدهای آن برای ثبات سیاسی. ماهنامه دیدبان. شماره ۱۲٦. ٦۲-٥٥.
- صمیم، رضا (۱٤۰۲). مواجهات نسلی و ثبات سیاسی در ایران معاصر (تفسیر پدیدارشناسانه موقعیت‌های مواجهه نسلی از ۱۳٤۰ تا ۱۳۹۸). پژوهشکده مطالعات راهبردی. چاپ دوم. تهران.
- طالبیان، حامد؛ طالبیان، سارا (۱۳۹٦). زنان و کنش گری در رسانه‌های اجتماعی (مطالعه موردی: صفحه فیس بوکی آزادی‌های یواشکی). زن در توسعه و سیاست. (۲)۱٥. ۲۲۲-۲۰٥
- غنی، مهدی (۱٤۰۲). سال پسا مهسا؛ دوماهنامه سیاسی راهبردی چشم انداز ایران. شماره ۱٤۱.
- غیاثوند، احمد (۱۳۹٦). پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های زنان در شهر تهران. شهرداری تهران. معاونت اجتماعی و فرهنگی اداره کل بانوان.
- فاضلی، محمد (۱۳۹۷). ناامیدان ناآرام. ماهنامه اندیشه پویا. شماره ٥۳
- فاضلی، نعمت‌اله (۱٤۰۲). زنانه شدن شهر با تأکید بر فضاهای شهر تهران. انتشارات علمی-فرهنگی. چاپ چهارم.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸٤). پیربوردیو: پرسمان دانش و روشنفکری. فصلنامه علوم اجتماعی. دانشگاه فردوسی مشهد. شماره ٥. بهار
- فکوهی، ناصر (۱۳۸٦). تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان شناسی. تهران: نی.
- قلی پور، مجتبی (۱٤۰۱). تأملی مفهومی بر ناآرامی‌های شهروبر تا آبان ۱٤۰۱. ماه نگار راهبردی دیده‌بان. شماره ۱۲۷. ٤۳- ۳۳.
- قمرتبار، صابر؛ عینی، محسن (۱٤۰۲). تأثیر رویدادهای دهه ۱۳۲۰ شمسی بر سیاست کیفری تقنینی ایران. آموزه‌های حقوق کیفری. شماره (۲٥)۷. ۳٥۱-۳۲٥.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸٤). عصر اطلاعات: قدرت هویت یابی (جلد دوم). ترجمه حسن چاووشیان. تهران. نشر طرح نو.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۹٤). شبکه‌های خشم و امید (جنبش‌های اجتماعی در عصر اینترنت). نشر مرکز. تهران
- کاظمی پور، عبدالمحمد؛ گودرزی، محسن (۱٤۰۲). چه شد؟ داستان افول اجتماع در ایران. نشر اگر. تهران. چاپ اول.

- کاظمی، عباس (۱۳۹۸). اعتراض پادرهوایان (تأملاتی درباره بی‌ثباتی، ناامیدی و تحقیر با نگاهی به دو فیلم «انگل» و «جوکر». ماهنامه اندیشه پویا، شماره ٦٣. آذر و دی ۹۸.
- کرایب، یان (١٤٠٠). نظریه اجتماعی کلاسیک. ترجمه شهناز مسمی پرست. نشر آگه. چاپ پانزدهم.
- کلهرودی، نوید (١٤٠١). مسئله قومیت و تجزیه طلبی در ناآرامی‌های شهریور–مهر ١٤٠١. ماه نگار راهبردی دیده‌بان. شماره ١٢٧. ١١٤– ١٠٧.
- کوئن، بروس (۱۳۹۸). درآمدی بر جامعه شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران. توتیا.
- گودرزی، محسن (۱۳۹۸). شهروند عاصی و احتمالات آینده. ماهنامه اندیشه پویا، شماره ٦٣. آذر و دی ۹۸.
- مارگتس، هلن؛ جان، پیتر؛ هیل، اسکات (۱۳۹۹). شبکه‌های اجتماعی مجازی چگونه به کنش جمعی شکل می‌دهند؟. ترجمه طاهر یاسری، محمد رهبری و هادی خانیکی. انتشارات کویر.
- مجاهدی، محمد مهدی (۱۳۹۷). بی‌قراری طبقه عمودی (درباره ریخت شناسی بی‌قراری‌های یک سال اخیر در ایران). ماهنامه اندیشه پویا. شماره ۵۳
- محمدی، جمال؛ پاشایی، لطیفه (١٤٠٠). زنان کرد در حوزه عمومی: زمینه‌ها، مؤلفه‌ها و فعالیت‌های تشکل‌های اجتماعی زنانه (مطالعه موردی: استان کردستان). زن در توسعه و سیاست. (۳)۱۹. ۳۷۹–٤٠٣.
- محمدی، سارا (۱۳۹۹). ارزیابی و آسیب شناسی کنشگری تشکل‌های سیاسی زنان در ایران از میانه دهه ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۰. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دانشگاه شیراز.
- – محققیان ، زهرا ١٤٠٤، استعمارپژوهی جنسیتی: مروری تحلیلی–انتقادی به نظریه کنش گری زنان در پدیده استعمار مجله زن درفرهنگ وهنر دوره هفدهم،ص ٤٤٢تا٤٥٩
-
- محمدی، منوچهر (۱۳۹۹). تحلیلی بر انقلاب اسلامی. تهران. انتشارات امیرکبیر.
- مرادی نژاد، زینب؛ کرمی قهی، محمد تقی؛ امینی، سعیده؛ ذکایی، محمد سعید (١٤٠١). استراتژی‌های زنان ایرانی جهت ورود به عرصه سیاست و مواجهه با امر سیاسی. زن در توسعه و سیاست. ٢١ (٢). ٣١٤–٢٨٧.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (١٤٠١). وضعیت حکمرانی اجتماعی در ایران: بررسی فراز و فرود سرمایه اجتماعی. مسلسل ٥٤١

- مرندی، سید علی (۱٤۰۱). سازوکارهای ترمیم شکاف معترضان و نظام سیاسی پس از ناآرامی‌های اخیر. ماه نگار راهبردی دیده‌بان شماره ۱۲۷. ۱۵۷-۱٤٦.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱). درآمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی. پژوهشکده امام خمینی. تهران.
- منصوری ،سمانه صمدی ،مجتبی، ۱٤۰٤,مجله زن درتوسعه وسیاست ، شماره ۹۱،حضورفرهنگی اجتماعی زنان درفعالیت ها وتشکل های محلی
- ممتاز، فریده (۱۳۸۳). معرفی مفهوم طبقه از دیدگاه بوردیو. پژوهش نامه ادانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی. شماره ٤۱ و ٤۲. بهار و تابستان.
- موحدیان، مریم. (۱٤۰۱). تجربه زیسته زنان و شکل‌گیری کنشگری سیاسی در ایران . *مجله جامعه‌شناسی ایران*، (٤). ۱۵۲-۱۲٤
- موسوی، سید مسعود (۱٤۰۱). چشم انداز ناآرامی‌های ۱٤۰۱. ماه نگار راهبردی دیده‌بان. شماره ۱۲۷. ۲۰۳- ۱۹۳.
- موسوی، میر حسین (۱۳۹۱). چنین گفت میرحسین؛ مجموعه سخنرانی‌ها، گفت‌وگوها، بیانیه‌ها، یادداشت‌ها، اطلاعیه‌ها و پیام‌های میرحسین موسوی از بهمن۱۳۷۸ تا اسفند ۱۳۸۹. کانون دکتر علی شریعتی.
- میدری، احمد (۱۳۹٦). برای اصلاحات سخت جرئت و جسارت می‌خواهیم. ماهنامه اندریشه پویا. شماره ٤۸
- میر خوشخو، سیده آمنه؛ صادقی فسایی، سهیلا (۱٤۰۱). تحلیل کیفی موانع و محدودیت‌های سیاست ورزی زنان در مناصب سیاسی (مورد مطالعه: هیئت دولت و مجلس شورای اسلامی). زن در توسعه و سیاست. (۲۰)٤. ٦۹۵-٦٦۳.
- نش، کیت (۱۳۸٤). جامعه شناسی سیاسی معاصر. ترجمه محمد تقی دلفروز. تهران: نشر کویر.
- نصیری، حمید و همکاران. (۱٤۰۲). «عوامل اقتصادی و نهادی مؤثر بر کنشگری سیاسی زنان. *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، (۲)۳۰. ۱۱۵-۸۹.
- نورعلی وند، یاسر (۱٤۰۱). ناآرامی‌های ۱٤۰۱ و پدیده حمایت بین‌المللی از اعتراضات. ماه‌نگار راهبردی دیده‌بان. شماره ۱۲۷. ۱۹۱- ۱۷۹
- وزوایی، شیما (۱٤۰۱). فراتر از مرزهای وطنی و تنی (نگاهی به همبستگی شبکه‌ای با جنبش «زن-زندگی- آزادی». فصلنامه زنان امروز. (٤٦)۹. ۱۷-۸.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸٤). نظریه کنش ارتباطی: جهان زیست و نظام. ترجمه کمال پولادی. تهران. مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران
- هانیگن، جان (۱۳۹۸). جامعه شناسی محیط زیست. ترجمه صادق صالحی. انتشارات سمت.

- یزدخواستی، بهجت؛ لوتراند، ماری کلود (۱۳۸۵). فراسوی حجاب (جامعه شناسی حجاب زنان مسلمان ایران). ترجمه صفیه غایی. انتشارات نشر و پژوهش معناگرا. تهران. چاپ اول.

منابع غیرفارسی

- AL TALEI, R. (2021). WOMEN'S POLITICAL PARTICIPATION IN OMAN: STATE, SOCIETY, AND CULTURE (DOCTORAL DISSERTATION).
- ALKHALED, S. (2021). WOMEN'S ENTREPRENEURSHIP IN SAUDI ARABIA: FEMINIST SOLIDARITY AND POLITICAL ACTIVISM IN DISGUISE?. GENDER, WORK & ORGANIZATION, 28(3), 950-972.
- Bayat, A. (2010). *Life as Politics: How Ordinary People Change the Middle East*. Stanford University Press.
- BIAGINI, E. (2021). WHAT'S LOVE GOT TO DO WITH IT? WOMEN, THE EGYPTIAN MUSLIM BROTHERHOOD AND ORGANISATIONAL IDENTITY. PARTECIPAZIONE E CONFLITTO, 14(2), 547-564.
- Bourdieu, P. (1986). *The Forms of Capital*. In J. Richardson (Ed.), *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education* (pp. 241–258). Greenwood.
- Castells, M. (2012). *Networks of Outrage and Hope: Social Movements in the Internet Age*. Polity.
- EDALATI, Z. (2020). EVERYDAY PEACE: IRANIAN WOMEN’S MOVEMENT AND PEACEFUL TRANSFORMATION (MASTER'S THESIS).
- Fraser, N. (2009). *Scales of Justice: Reimagining Political Space in a Globalizing World*. Columbia University Press.
- GHOREISHI, S. (2021). WOMEN’S ACTIVISM IN THE ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN: POLITICAL ALLIANCE AND THE FORMATION OF DELIBERATIVE CIVIL SOCIETY. SPRINGER NATURE.
- Giddens, A. (1991). *Modernity and Self-Identity*. Stanford University Press.
- GOODWIN, J., & JASPER, J. M. (EDS.). (2009). THE SOCIAL MOVEMENTS READER: CASES AND CONCEPTS (NO. 12). JOHN WILEY & SONS.
- Gramsci, A. (1971). *Selections from the Prison Notebooks*. International Publishers.
- HAN, N. (2020). KOREAN NURSES' PARTICIPATION IN HEALTH CARE POLICY REFORM: A PHENOMENOLOGICAL STUDY. *JOURNAL OF NURSING MANAGEMENT*, *28*(6), 1347-1355.
- hooks, b. (2000). *Feminist Theory: From Margin to Center*. Pluto Press.

- HOU, L. (2020). REWRITING “THE PERSONAL IS POLITICAL”: YOUNG WOMEN'S DIGITAL ACTIVISM AND NEW FEMINIST POLITICS IN CHINA. INTER-ASIA CULTURAL STUDIES, 21(3), 337-355.
- KMIEC, K. D. (2004). THE ORIGIN AND CURRENT MEANINGS OF JUDICIAL ACTIVISM. CALIF. L. REV., 92, 1441.
- LIN, T. (2018). INCORPORATING SOCIAL ACTIVISM.–98 BOSTON UNIVERSITY LAW REVIEW 1535. TEMPLE UNIVERSITY LEGAL STUDIES RESEARCH PAPER, (2019-01), 71.
- Maheep, M., & Jahanghiri, Y. (2022). Whither Arab Women? The Arab Feminist Legacy and The Role of Women in The Arab Spring. Al-Mada: Jurnal Agama, Sosial, dan Budaya, 5(1), 63-80.
- MANGION, N. (2019). WOMEN IN THE PUBLIC SPHERE: LIBYA AND EGYPT POST-ARAB SPRING (BACHELOR'S THESIS, UNIVERSITY OF MALTA).
- Melucci, A. (1996). *Challenging Codes: Collective Action in the Information Age*. Cambridge University Press.
- MOHANTY, C. T. (2005). FEMINISM WITHOUT BORDERS: DECOLONIZING THEORY, PRACTICING SOLIDARITY. ZUBAAN.
- NIKUNEN, K. (2018). MEDIA SOLIDARITIES: EMOTIONS, POWER AND JUSTICE IN THE DIGITAL AGE.
- SALEHI, A., SEBAR, B., WHITEHEAD, D., HATAM, N., COYNE, E., & HARRIS, N. (2020, MARCH). YOUNG IRANIAN WOMEN AS AGENTS OF SOCIAL CHANGE: A QUALITATIVE STUDY. IN WOMEN'S STUDIES INTERNATIONAL FORUM (VOL. 79, P. 102341). PERGAMON.
- SALEHI, A., WHITEHEAD, D., SEBAR, B., UPADHYAY, R., COYNE, E., & HARRIS, N. (2021). YOUNG WOMEN LIVING IN IRAN: GENDERED DRIVERS INFLUENCING SOCIAL PARTICIPATION AND WELLBEING. JOURNAL OF GENDER STUDIES, 30(4), 478-495.
- Scott, J. C. (1990). *Domination and the Arts of Resistance*. Yale University Press.
- SLIWINSKI, M. (2016). THE EVOLUTION OF ACTIVISM: FROM THE STREETS TO SOCIAL MEDIA. LAW STREET.
- TARIQI, N. (2020). THE ROLE OF IRANIAN MEN IN WOMEN'S ANTI-COMPULSORY HIJAB MOVEMENT.

- TARROW SIDNEY, G. (2011). POWER IN MOVEMENT: SOCIAL MOVEMENTS AND CONTENTIOUS POLITICS.
- Tilly, C. (2004). *Social Movements, 1768–2004*. Paradigm Publishers.
- Van Manen, M. (2017) But is it phenomenology? Qualitative Health Research, 27(6): 775–779
- Bourdieu, P. (1986). *The Forms of Capital*. In J. Richardson (Ed.), *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*. Greenwood Press, pp. 241–258.
- Bayat, A. (2017). *Life as Politics: How Ordinary People Change the Middle East*. Stanford University Press.
- Honari, A. (2020). "Social Media and Women's Activism in Iran." *International Sociology*, 35(6), 717–738.
- Hamad, R. (2021). "Women's Resistance Strategies in Authoritarian Contexts." *Middle East Journal of Social Studies*, 45(3), 201–225.
- Tilly, C., & Tarrow, S. (2015). *Contentious Politics*. Oxford University Press.